

هوش مصنوعی: انسان و ماشین

ابراهیم انصاری

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، دهقان، ایران

ansary41@gmail.com

چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی نقش هوش مصنوعی در حوزه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و پاسخ به این سوالات است که هوش مصنوعی چیست و چه می تواند انجام دهد؟ همچنین یک الگوریتم چیست و چگونه بر مبنای پارامترهای برنامه ریزی شده به حل مسائل می پردازد؟ در واقع هوش مصنوعی با توانایی تحلیل سریع، تولید متن، تصویر و تصمیم، سرعت کارآمدی دارد. در این مطالعه به پیامدهای مثبت و منفی آن بر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز پرداخته می شود. در نهایت در این مقاله «هوش مصنوعی»، «انسان نما شدن ماشین»، «دیجیتالی شدن فرهنگ»، «تغییر فرایندهای اقتصاد سرمایه داری جهانی» و «پیامدهای مثبت و منفی» هوش مصنوعی تاکنون بررسی می شود.

کلمات کلیدی: هوش مصنوعی، الگوریتم، انقلاب دیجیتال، انقلاب فناوری اطلاعات، برون سپاری، جهانی سازی، قطع اتصال

هوش مصنوعی^۱، امروز به یکی از محوری‌ترین فناوری‌های جدید، مورد توجه تمامی دولت‌ها و جوامع قرار گرفته است. به جرأت می‌توان گفت که انقلاب دیجیتال اکنون موفق‌ترین حوزه در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی است، اما این پیروزی خالی از ابهام نیست. این فناوری با قدرتی بی‌سابقه، همزمان که ذهن و ناخودآگاه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مرز میان انسان و ماشین را نیز در هم می‌ریزد.

در چنین وضعیتی، پرسش از ماهیت و پیامدهای هوش مصنوعی دیگر محدود به آزمایشگاه‌های فناوری نیست، بلکه به مسئله‌ای بنیادین برای فلسفه، سیاست، اقتصاد و زندگی روزمره بدل شده است. در حالیکه شرکت‌های بزرگ فراملیتی با کنترل پلتفرم‌های دیجیتالی، نه تنها ابزارها و خدمات، بلکه فرهنگ، ارزش‌های اخلاقی و حتی الگوهای رفتاری را دستکاری می‌کنند، در همین حال، تحولات اقتصادی و ظهور «جنگ تجاری» به ویژه در روابط چین و آمریکا، نشان می‌دهد که آینده هوش مصنوعی به شدت با منازعات قدرت در جهان سرمایه‌داری گره خورده است.

این مقاله در پی آن است تا با نگاهی چندوجهی، هم به بررسی شاخص‌های مثبت و منفی هوش مصنوعی تا امروز بپردازد و هم نشان دهد که چگونه تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی عصر دیجیتال، بستری نابرابر و در عین حال در هم تنیده برای ظهور این فناوری فراهم آورده است.

هوش مصنوعی

هوش مصنوعی عبارت است از مجموعه‌ای از «روش‌های کامپیوتری محور به ویژه ادراک، مدل‌سازی، برنامه‌ریزی، عمل و اجرا» (سی مولر، ۱۴۰۱: ۲۸).

در دنیای امروز هوش مصنوعی اثرات شگرفی بر حیات انسانی دارد و روز به روز در حال رشد و گسترش است. این فناوری از حرکت ساده محاسبه (الگوریتم) تا تصمیم‌گیری‌های پیچیده و کارهای خارق‌العاده را در بر می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهند که ۷۵ درصد سرمایه‌گذاری‌های دنیا شامل صنایع آینده، فناوری پیشرفته، هوش مصنوعی بیوتکنولوژی و زیرساخت‌های دیجیتالی است (وحیدی، ۱۴۰۴: ۳۵).

¹ AI: Artificial Intelligence

امروز بخش دیجیتال موفق‌ترین حوزه در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی است. انقلاب دیجیتالی از طریق الگوریتم‌ها و سایر فناوری‌های پیچیده قادر است با دقت بیشتر و به طور ناخودآگاه و غیر قابل درک، تأثیرات عمیق‌تری بر ذهن و ناخودآگاه افراد بگذارد. این انقلاب دیجیتالی یک نیروی فرهنگی اقتصادی است که به صورت یکپارچه و متمرکز به جهان نگاه می‌کند، تنوع فرهنگی اقتصادی را از بین می‌برد یا کم می‌کند و اندیشه بشری را از طریق این فناوری کنترل می‌کند (پاون کوئلار، ۱۴۰۳).

انسان‌نما شدن ماشین

امروزه ماشین‌ها در سطح رفتار و زبان «شبه انسان» شده و هم انسان‌ها در محیط‌های الگوریتمی «شبه ماشین» شده‌اند. این پدیده را از سه منظر می‌تواند دید. اول ماشینی شدن رفتار انسان، دوم انسان‌نما شدن هوش مصنوعی و سوم تکوین ظهور یک «هستی ترکیبی» از ماشین و انسان.

در وضعیت نخست که از آن به عنوان ماشینی شدن انسان در عصر الگوریتم‌ها یاد می‌شود، شاهد نوعی سلطه منطق الگوریتمی بر زندگی روزمره انسان هستیم. مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که الگوریتم‌ها در حال تبدیل شدن به مؤلفه‌های کنترل‌گر زیست ما هستند، حتی می‌توان گفت این الگوریتم‌ها و منطق آنها در حال بدل شدن به معیار رفتار انسانی هستند (دین پرست، ۱۴۰۲).

دیجیتالی شدن فرهنگ و تغییر فرایندهای اقتصاد جهانی سرمایه‌داری

بخش انقلاب دیجیتالی که امروز موفق‌ترین در اقتصاد جهانی و ۷۵ درصد کل سرمایه‌داری جهانی است به صنایعی اختصاص یافته که آینده اقتصاد جهان را تشکیل می‌دهد، در حالی که سرمایه‌گذاری در صنایع سنتی بعد از انقلاب اول صنعتی مانند نساجی، غذا و خدمات عمومی ۳۰ درصد کاهش یافته است (وحیدی، ۱۴۰۴). این سرمایه‌گذاری از طرف شرکت‌هایی بوده که در بیش از یک کشور فعالیت کرده و از نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهانی برخوردار هستند.

این شرکت‌ها شامل شش گروه هستند:

الف) شرکت‌های فناوری و اینترنتی که مهم‌ترین آنها که نقش محوری در اقتصاد دیجیتال ایفا می‌کنند شامل آلفابت^۱ (گوگل)، آمازون^۲، متا^۳ (فیسبوک)، سامسونگ، تنسنت^۴ چین که پیشرو در بازی‌ها و برنامه‌های کاربردی است.

ب) شرکت‌های نفت و انرژی شامل اکسون موبیل^۵ آمریکا، آرامکو^۶ عربستان، شل^۷ انگلستان/هلند، بی.پی.^۸ بریتانیا، شوران^۹ آمریکا و توتال^{۱۰} فرانسه.

ج) شرکت‌های کالاهای مصرفی شامل نستله^{۱۱} سوئیس، جنرال فود^{۱۲} آمریکا، کوکاکولا^{۱۳} و پپسی^{۱۴} آمریکا، و شرکت‌های اروپایی - آمریکایی در زمینه‌های کالاهای مصرفی، آرایشی و خوراکی.

د) شرکت‌های داروسازی و مراقبت‌های بهداشتی که شامل فایزر^{۱۵} آمریکا، جانسون اند جانسون^{۱۶} آمریکا، نوارتیس^{۱۷} و روش^{۱۸} سوئیس و استرازانیکا^{۱۹} بریتانیا.

¹ Alphabet Inc

² Amazon

³ Meta Platforms

⁴ Tencent

⁵ Exxon Mobil Corporation

⁶ Aramco: Arabian-American Oil Company

⁷ Shell Global

⁸ BP

⁹ shevron

¹⁰ TotalEnergies

¹¹ Nestlé

¹² General Mills

¹³ Coca Cola

¹⁴ PepsiCo

¹⁵ Pfizer

¹⁶ Johnson & Johnson

¹⁷ Novartis International AG

¹⁸ Roche

¹⁹ AstraZeneca

و) شرکت‌های خدمات مالی و بانک‌ها شامل جی.پی.مورگان^۱ و چیس^۲ آمریکا به عنوان بزرگترین بانک‌های سرمایه‌گذاری، گلدمن ساکس^۳ آمریکا، اچ.اس.بی.سی^۴ بریتانیا، ویزا^۵ و مستر کارت^۶ آمریکا، بلک راک^۷ آمریکا که بزرگترین شرکت مدیریت دارایی جهانی است. همه این شش گروه از انقلاب دیجیتالی و انقلاب تکنولوژی اطلاعات برخوردارند، اقتصاد جهانی را کنترل می‌کنند و از طریق سرمایه‌گذاری‌های عظیم خود بر سیاست‌های بین‌المللی تأثیر می‌گذارند و همه از شرکت‌کنندگان جلسه سالیانه اقتصاد «داووس»^۸ سوئیس هستند. این شرکت‌ها نه تنها ابزارها یا خدمات تولید می‌کنند، بلکه فرهنگ‌ها و رفتارها را از طریق کنترل خود بر اطلاعات، سیستم اقتصادی و حتی ارزش‌های اخلاقی تغییر می‌دهند. اینها دارای پلتفرم‌های دیجیتالی هستند که نحوه ارتباط افراد، مصرف و اطلاعات را کنترل می‌کنند. در نتیجه تحولات انقلاب دیجیتالی شدن به ترتیبی است که امکان بازگرداندن خط تولید به کشور مبدأ یا نزدیک به مبدأ را فراهم آورده است. از دهه ۲۰۱۰ روند نسبتاً آرام و مستمر همکاری‌های اقتصادی تا حدی دچار تنش و مورد بازنگری کشورهای اصلی قرار گرفت به طوری که اصطلاحاً دوره «آهسته شدن روند جهانی‌سازی»^۹ یا به تعبیر امروز «جنگ تجاری» آغاز شد. اصطلاحات امروز نسبت به دو دهه گذشته تغییر یافته و اصطلاحات جدیدی جای آنها را گرفته است. برای مثال در گذشته «برون سپاری»^{۱۰}، امروز «درون مرز»^{۱۱} یا «بیرون از مرز»^{۱۲} و یا در گذشته «جهانی شدن»^{۱۳} و امروز «آهسته شدن روند جهانی سازی» و یا «قطع اتصال»^{۱۴} و نه «قطع ارتباط».

¹ Jpmorgan

² Chase

³ Goldman Sachs

⁴ Hsbc

⁵ Visa Card

⁶ Mastercard

⁷ Blackrock

⁸ Davos

⁹ Slowglobalization

¹⁰ Outsourcing

¹¹ Reshoring

¹² Offshoring

¹³ Globalization

¹⁴ Decoupling

با توجه به این اصطلاحات اشاره مختصری به چین، آمریکا و اروپا می شود. تغییر رویکرد چین تحت عنوان سیاست‌های موسوم به «گردش دوگانه»^۱ تغییراتی که شرایط سهل گیرانه تجاری- سرمایه‌ای قبلی در این اقتصاد دیجیتال کم رنگ شده است.

شرکای چین (آمریکا و اروپا) بر این نظر هستند که سیاست‌های غیرمبتنی بر بازار بعضاً تبعیض آمیزی در چین ظاهر شده که خلاف امنیت ملی و رقابت پذیری سایر کشورهاست. اگر تا قبل از این، چینی‌ها در تلاش بودند تا شرکت‌های دولتی خود را به سمت «قواعد بازار»^۲ رهنمون باشند، این قاعده امروز برعکس شده است. آمریکا و اروپا بر این نظرند که یک انحراف دائمی از اصلاحات اقتصادی بازارگرا رخ داده است و دوران خوش پس از پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی^۳ سپری شده و سیاست‌های چین بر خلاف مسیر قبلی و توافقاتی که در بدو ورود به سازمان تجارت جهانی اعلام کرده، منحرف شده است.

در سال ۲۰۱۷ در سند امنیت استراتژی ایالات متحده قید شده است که همکاری و پیوستگی اقتصادی با چین دیگر استراتژی موفق محسوب نمی شود. در این سند آمده است که باید چین را به عنوان یک رقیب استراتژیک نگریست و نمی توان فقط در حوزه های امنیت ملی با آن مواجه شد، بلکه باید سایر ابعاد اقتصادی و سیاسی هم در روش های تقابلی لحاظ شوند (کاخ سفید، ۲۰۱۷)

این سند تأکید دارد سیاست های دو دهه گذشته آمریکا نیازمند بازنگری است، سیاست‌هایی که تا پیش از این بر اساس افزایش ارتباط با رقبا و سهم کردن آنها در سازمان های بین‌المللی و سیاست‌های سازمان تجارت جهانی، آنها را به شرکای قابل اعتماد بدل می کرد، بنابراین امروز سیاست قطع اتصال مطرح می شود.

این سیاست عبارت است از:

۱- رویکردهای محدود کننده‌ای نسبت به تملک جذب شرکت‌های آمریکایی توسط خارجی (خصوصاً چین)

۲- کنترل‌های صادراتی گسترده‌تری برای جلوگیری از انتقال فناوری‌های حساس.

۳- بازگرداندن فرایند تولید به داخل مرزها.^۵

سال ۲۰۱۸ سالی است که «جنگ تجاری» آمریکا و چین شروع شده و همچنان ادامه دارد.

¹ Dualcirculation

² Marketization

³ WTO

⁴ The White House

⁵ Reshoring

در سال ۲۰۲۴ بیش از ۸۳ درصد از شرکت‌های آمریکایی و حدود ۹۰ درصد از شرکت‌های اروپایی اعلام کردند که حداقل بخشی از زنجیره تأمین خود را از چین به خارج منتقل کردند. در نتیجه جنگ تجاری ۲۰۱۸، میانگین نرخ تعرفه آمریکا بر واردات از چین از حدود ۲/۶ درصد در ۲۰۱۸ به ۱۷/۵ درصد در ۲۰۱۹ افزایش یافت. این نرخ‌ها تا سال ۲۰۲۴ تقریباً در همین سطح باقی ماند. هدف از این اقدام ایجاد توازن بین تعرفه‌های بازگرداندن مشاغل تولیدی به داخل آمریکا بود و دیگر مثل دو دهه قبل برون سپاری نخواهد بود. به عنوان نمونه «به جای تولید پیراهن بنگلادشی و فرستادن آن به آمریکا، شما می‌توانید پیراهن را اینترنتی از آمازون بخرید و آن را در نیویورک پرینت بگیرید» (هراری، ۱۳۹۷: ۶۱). وقتی هوش مصنوعی و پرینترهای سه بعدی جانشین داکا^۱ بنگلادش شود، درآمدهایی که قبلاً به جنوب آسیا سرازیر می‌شد، حالا به جیب چند شرکت بزرگ تکنولوژی پیشرفته (های. تک)^۲ آمریکا رسیده و ثروتی جدید و عظیم برای شرکت‌های های. تک در «سیلیکون ولی»^۳ جنوب سانفرانسیسکو^۴ می‌شود (هراری، ۱۳۹۷: ۷۲).

در جمع‌بندی این قسمت، شرکت‌های فوق الذکر در ابتدای قرن ۲۱ نشان می‌دهند که چگونگی مواجهه و بهره‌مندی از انقلاب دیجیتال و هوش مصنوعی به مهم‌ترین موضوع مشترک در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای در نظام سرمایه‌داری بدل شده است.

پیامدهای مثبت هوش مصنوعی تا کنون

اثرات مثبت هوش مصنوعی شامل اثرات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. به طور مشخص:

- ۱- هوش مصنوعی به عنوان یک رقیب جدی برای پایان کلاهدرداری اقتصادی است. به عنوان یک دستیار هوشمند، قراردادهای تحلیل می‌کند و با شناسایی ریسک‌ها، به مذاکره آگاهانه می‌پردازد. ابزارهایی مانند چت‌جی.پی.تی^۵ می‌تواند در مواردی مانند بررسی اجاره خانه اقدامات لازم را انجام دهد (ابوالقاسمی، ۱۴۰۴).
- ۲- هوش مصنوعی، وکلا و مؤسسات حقوقی را طبقه‌بندی می‌کند تا مردم راحت‌تر به سراغ وکیل مورد نظر خود بروند.

¹ Dhaka

² High Tech

³ Silicon Valley

⁴ San Francisco

⁵ ChatGPT

- ۳- رقابت الگوریتمی به واسطه بی طرفی‌هایی که ابزارهای هوش مصنوعی دارند، عصر شفافیت را رقم می‌زند. همچنین استفاده از هوش مصنوعی در بانکداری، میزان پرداخت تسهیلات را تا ۲۰ درصد افزایش می‌دهد (زست ای آی^۱، ۲۰۲۴).
- ۴- بر اساس تحقیقات مدل‌سازی پیشرفته، هوش مصنوعی می‌تواند تولید ناخالص داخلی را ۱۴ درصد افزایش دهد و پیش از ۴۰ درصد کل رشد اقتصادی را در بر می‌گیرد (پی.دی.بی.سی^۲، ۲۰۱۷؛ آرنون^۳، ۲۰۲۵).
- ۵- بر اساس پیش بینی اکونومیست^۴ در دوران پساهوش مصنوعی، بازارهای بر پایه تعادل الگوریتمی شکل می‌گیرند که در آن مصرف‌کنندگان، مشاوران دیجیتال شخصی خواهند داشت که سبب می‌شود در بازارها زیان نینند (اکونومیست، ۲۰۲۵).
- ۶- هوش مصنوعی تقریباً به همه وجوه تجارت وارد می‌شود. ساختار هر صنعتی را بازسازی می‌کند و تکنولوژی را برای حیات آن صنعت در نظر می‌گیرد.
- ۷- نقش هوش مصنوعی در ساختمان‌سازی‌های هوشمند، فناوری‌های مبتنی بر اینترنت اشیاء، طراحی و ساخت سیستم‌های مدیریت ساختمان‌های مدرن، افزایش آگاهی نسبت به استفاده از فضا در محیط، روشنایی خودکار، کنترل دما، سیستم امنیتی و مدیریت انرژی پررنگ خواهد بود (ابوالقاسمی، ۱۴۰۴).
- ۸- بسیاری از استارت‌آپ‌ها بر مبنای هوش مصنوعی کار می‌کنند. «مطالعات نشان می‌دهد که هوش مصنوعی ۶۹ درصد کار مدیران را تا سال ۲۰۲۴ انجام می‌دهد» (لو، ۱۴۰۴: ۱۴۸).
- ۹- امروز خوش بینی عمدتاً محدود به معماران هوش مصنوعی و مدیران حسابگری است که محاسبه می‌کنند هوش مصنوعی چقدر می‌تواند تعداد کارکنان را کم کند. سه شرکت پیش‌تاز در عرصه هوش مصنوعی، متاپلتفرمز^۵، مایکروسافت^۶ و آمازون همه در سال ۲۰۲۵ تعداد زیادی از کارکنان خود را اخراج کردند. از نوامبر ۲۰۲۲ که چت.جی.بی.تی منتشر شد، ارزش بازار «هفت غول» دنیای تکنولوژی ۱۶۹ درصد رشد کرده است (ترجمان، ۱۴۰۴: ۱۳۲).

¹ Zest AI

² PwC

³ Arnon

⁴ Economist

⁵ Meta Platforms

⁶ Microsoft

پیامدهای منفی هوش مصنوعی تا امروز

چنانکه اشاره شد، هوش مصنوعی دستاوردهای شگرف و بزرگی برای زندگی انسان‌ها داشته است. اما از نظر «پدیدارشناسی»^۱ دیوید چالمرز^۲، آگاهی، برآمده از تجربه یک حالت درونی و در یک وضعیت حسی است. این همان چیزی است که در فلسفه پدیدارشناسی به آن کوالیا^۳ می‌گویند؛ یعنی کیفیت ذهنی و تجربه حقیقی و مستقیم چیزها. این اطمینان از نبود این نوع کیفیت ذهنی در هوش مصنوعی از آن جهت است که کوالیا، یعنی تجربه درونی و هیچ نشانه‌ای از تجربه ماشین نداریم (دین پرست، ۱۴۰۲).

به طو خلاصه می‌توان گفت:

- ۱- هوش مصنوعی نمی‌داند درد چطور حس می‌شود، رنگ زرد چه کیفیتی دارد، شادی و یا ترس چه حالت درونی دارد (دین پرست، ۱۴۰۲).
- ۲- برای ورود درست به فلسفه هوش مصنوعی نیازمند طیف وسیعی از فلسفه هستیم؛ فلسفه ذهن، معرفت‌شناسی، زبان، ارزش، فرهنگ، جامعه (سی مولر، ۱۴۰۱).
- ۳- هوش مصنوعی فاقد مسئولیت‌پذیری است.
- ۴- «هویت شخصی در انسان‌ها عمدتاً امری وابسته و لازم است زیرا در واقع شرطی است برای تخصیص مسئولیت‌پذیری، اما تعیین یک خود دائمی و مشخص برای هوش مصنوعی کار ساده‌ای نیست که آیا یک خود در هوش مصنوعی وجود دارد که به اتصاف عاملیت اخلاقی و حتی قابلیت‌ها واکنش نشان دهد؟» (سی مولر، ۱۴۰۱: ۳۰).
- ۵- یکی از پرسش‌های بی‌پاسخ آن است که آیا یک سیستم جمادی (غیرزنده) می‌تواند اهدافی واقعی داشته باشد به نحوی که مستلزم انتخاب و مسئولیت‌پذیری باشد. مثلاً اهدافی واجد ارزشی ذهنی^۴ برای سیستم (سی مولر، ۱۴۰۱).
- ۶- از نگاه پدیدارشناسی هوبرت دریفوس^۵ هوش مصنوعی مورد نقد قرار گرفته از جمله نقد بیولوژیکی، روان‌شناختی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی. دریفوس مدعی است که مغز انسان می‌تواند اطلاعات را به نحوی کاملاً متفاوت با کامپیوتر پردازش کند و در سطح بیولوژیکی

¹ Phenomenology

² David Chalmers

³ Qualia

⁴ subjective

⁵ Hubert Dreyfus

شبکه های عصبی مصنوعی را به نقد بکشد(ژانگ، ۱۴۰۱). از این نگاه پدیدارشناسانه هوش مصنوعی فاقد تجربه زیسته است.

۷- هوش مصنوعی فاقد زمینه فرهنگی است. هوش مصنوعی می تواند شکاف های فرهنگی مصنوعی ایجاد کرده و با داده های آموزش دیده خود، سوگیری های فرهنگی، قومی و جنسیتی را بازتولید کند. مثلاً ابزارهای هوش مصنوعی چهره های سیاه پوستان را با دقت بسیار کمتر نسبت به چهره های سفیدپوستان تشخیص می دهند و این نشان می دهد داده های نامتوازن می توانند شکاف های فرهنگی و نژادی تولید کنند(ژانگ، ۱۴۰۱).

۹- در خاتمه نقل قولی مفصل از لیلا اردبیلی، استادیار گروه مطالعات علم و فناوری پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی تهران در گفتگو با مجله اطلاعات حکمت و معرفت در رابطه با خطرات یا پیامدهای منفی هوش مصنوعی بیان می شود:

(الف) تضعیف اندیشیدن انسان: هوش مصنوعی با توانایی تحلیل سریع، تولید متن، تصویر و تصمیم، به تدریج ما را از زحمت فکر کردن بی نیاز می کند.

(ب) یکسان سازی فرهنگی و زبان: هوش مصنوعی با داده های انبوه آموزش می بیند و این داده ها اغلب محصول فرهنگ های مسلط هستند.

(ج) جابجایی مرجعیت دانایی: هوش مصنوعی به تدریج مسئولیت اخلاقی یا تاریخی نخواهد داشت. تا پیش از این، دانش از مسیر معلم، کتاب و تجربه منتقل می شد.

(د) ناپدید شدن مسئولیت انسانی: واگذاری اختیار تصمیمات به الگوریتم ها که نوعی فرار از مسئولیت است.

(ه) ایجاد توهم ابزار خنثی: اغلب هوش مصنوعی را به عنوان ابزاری خنثی تلقی می کنند. و- عادت به فراموشی خویشتن: و در آخر به گفته لیلا اردبیلی، بزرگترین خطر هوش مصنوعی شاید این باشد که ما را به فراموشی خودمان عادت دهد، در حالیکه انسان موجودی روایت گر، خطاکننده، اخلاق محور و جستجوگر معناست(دین پرست، ۱۴۰۲).

در پایان یادآور می شود در یک نظرسنجی در سال ۱۹۹۵ نشان داده شد که ۷۲ درصد پاسخ دهندگان با فناوری های جدید مثل کامپیوتر و اینترنت احساس راحتی می کنند و تنها ۲۴ درصد احساس ناخوشایند داشتند(مرکز تایمز میروور^۱، ۱۹۹۵). امروز این نسبت ها برعکس

¹ Times Mirror Center

شده است. طبق نظرسنجی شبکه ان.بی.سی^۱ آمریکا در تابستان ۲۰۲۴ فقط ۳۱ درصد با هوش مصنوعی احساس راحتی می‌کردند و ۶۸ درصد احساس ناخوشایند داشتند.

نتیجه گیری

در این مقاله کوتاه سعی شد نشان دهیم هوش مصنوعی چیست؟ و بر مبنای الگوریتم‌ها چه کاری می‌تواند انجام دهد؟

یک الگوریتم (محاسبه) دستورها را اجرا می‌کند و بر مبنای پارامترهای برنامه‌ریزی شده از قبل عمل می‌کند. هوش مصنوعی از یک سو امکان و درک متقابل را تقویت می‌کند و از سوی دیگر می‌تواند شکاف‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد کند. امروز هم ماشین‌ها در سطح رفتار شبیه انسان شده‌اند و هم انسان‌ها را در محیط الگوریتمی شبیه ماشین‌ها قابل نظارت، رفتار و حتی کنترل می‌کنند. اما آنچه هوش مصنوعی را به چالش بزرگ قرن بیست و یکم بدل می‌کند، نه صرفاً توانایی‌های فنی آن، که تغییر جایگاه انسان در نظام دانایی، اخلاق و قدرت است.

جابه‌جایی مرجعیت دانایی از معلم و کتاب به الگوریتم، ناپدید شدن مسئولیت انسانی در پشت تصمیم‌های ماشینی، و توهم خنثی بودن این ابزارها، ما را با پرسشی اساسی روبرو می‌سازد: آیا هوش مصنوعی صرفاً ابزاری در خدمت انسان است؟ شاید بزرگترین خطر هوش مصنوعی در عادت کردن ما به فراموشی خویشتن خویش به عنوان موجوداتی خطاکار، روایت‌گر و جستجوگر معنا باشد.

منابع

ابوالقاسمی، سعید. (۱۴۰۴). پایان کلاهبرداری؛ هوش مصنوعی چگونه به عدم تقارن اطلاعات پایان می‌دهد؟ نشریه تجارت فردا، شماره ۶۱۴، ۱۷ آبان ۱۴۰۴. قابل دسترس در:

www.tejaratefarda.com

پاون کوئلار، دیوید. (۱۴۰۴). مبارزه ادامه دارد؛ انقلاب‌های کنونی: ذهنیت، سیاست و فناوری دیجیتال در سرمایه‌داری ابدی. مجله نقد اندیشه، سال سوم (شماره ۴ و ۵)، ۸۵-۸۸.

ترجمان. (۱۴۰۴). مجله ترجمان، شماره ۳۷، زمستان ۱۴۰۴، قابل دسترس در:

www.tarjomaan.com

¹ NBC: National Broadcasting Company

دین پرست، منوچهر. (۱۴۰۲). نگاهی به خاستگاه تولد شناخت اجتماعی: گفت و گو با لیلا اردبیلی. مجله اطلاعات حکمت و معرفت، سال هجدهم، شماره ۳، پیاپی ۱۶۸، ۱۰-۱۲.

سی مولر، وینسنت. (۱۴۰۴). نگاهی به ساختار فلسفه هوش مصنوعی (مترجم محمدحسین ناظمی). نشریه اطلاعات حکمت و معرفت، دوره ۲۰، شماره ۴، پیاپی ۱۷۷، ۲۷-۴۴.

لو، اریک. (۱۴۰۴). تأثیر هوش مصنوعی بر اختیار انسان (مترجم شهربانو الهی فرد). مجله اطلاعات حکمت و معرفت، سال بیستم، شماره ۴، پیاپی ۱۷۷، ۱۴۱-۱۵۶.

وحیدی، حامد. (۱۴۰۴). انقلاب در صنایع: چگونه سرمایه‌گذاری خارجی آینده تجارت را شکل می‌دهد؟ نشریه تجارت فردا، شماره ۶۱۲، ۳ آبان ۱۴۰۴. قابل دسترس در: www.tejaratefarda.com

هراری، یووال نوح. (۱۳۹۷). ۲۱ درس برای قرن ۲۱ (مترجم سودابه قیصری). تهران: نشر کتاب پارسه.

ژانگ، پوهنگ. (۱۴۰۴). تاریخ تعامل بین هوش مصنوعی و فلسفه (مترجم علیرضا رضایت). نشریه اطلاعات حکمت و معرفت، دوره ۲۰، شماره ۴، پیاپی ۱۷۷، ۴۷-۶۶.

- Arnon, A. (2025). The projected impact of generative AI on future productivity growth. Penn Wharton Budget Model. Accessible : <https://budgetmodel.wharton.upenn.edu/p/2025-09-08-the-projected-impact-of-generative-ai-on-future-productivity-growth>
- PwC. (2017). Sizing the prize: What's the real value of AI for your business and how can you capitalise? (PwC Global Artificial Intelligence Study). Accessible : <https://www.pwc.com.au/artificial-intelligence-study>
- The Economist. (2025). The end of the rip-off economy. The Economist.
- Cui, Y. G., & Kietzmann, J. (2026). The agentic economy: AI, consumers, and the future of commerce. Business Horizons. Advance online publication. Accessible: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0007681326000698>
- The White House. (2017). National Security Strategy of the United States of America. Accessible: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/DCPD-201700918/pdf/DCPD-201700918.pdf>
- Times Mirror Center for the People & the Press. (1995). Technology in the American household: Americans going online...explosive growth, uncertain destinations. Accessible: <https://alpha.pewresearch.org/pewresearch-org/politics/1995/10/16/americans-going-online-explosive-growth-uncertain-destinations>
- Zest AI. (2024). Desert Valleys FCU: A small credit union with a big, AI-driven advantage. Accessible: https://www.zest.ai/learn/success_stories/desert-valleys-fcu

برای مطالعه بیشتر:

Ai Magazine, (2005) Volume 26, Accessible: <https://aimagazine.com>

Briggs, C., & Briggs, R. (2024). *The AI Conundrum: Harnessing the Power of AI for Your Organization--Profitably and Safely*. MIT Press.

Smuha, N. A. (2025). *The Cambridge handbook of the law, ethics and policy of artificial intelligence*.

Artificial Intelligence: Human and Machine

Ebrahim Ansari

Associate Professor, Islamic Azad University,
Dehaghan Branch, Dehaghan, Iran
ansary41@gmail.com

Abstract

The aim of this study is to examine the role of artificial intelligence (AI) in cultural, social, and economic domains, and to answer the following questions: What is artificial intelligence, and what can it do? What is an algorithm, and how does it solve problems based on programmed parameters? Indeed, artificial intelligence, with its capacity for rapid analysis, text generation, image creation, and decision-making, offers efficient speed. This study also addresses the positive and negative consequences of AI for cultural, social, and economic structures. Finally, this article explores the following themes to date: "artificial intelligence," "the anthropomorphization of machines," "the digitalization of culture," "the transformation of global capitalist economic processes," as well as the "positive and negative consequences" of artificial intelligence.

Keywords: Artificial Intelligence, Algorithm, Digital Revolution, Information Technology Revolution, Outsourcing, Globalization, Disconnection